

به نام خدا

مولانا و فمینیسم

پرتو سادات یزدانی - دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

- تعریف فمینیسم
- زن از نگاه قرآن کریم و تفکر اسلامی
- زن از نظر مولانا (10 نکته و ویژگی)

تعریف فمینیسم

فمینیسم از ریشه (femine) معادل زنانه و زن آسا در زبان فرانسوی و ریشه لاتین آن (femine) می باشد. غالباً به چند معنا به کار برده می شود. یکی به معنای اینکه زنان باید به فرصت ها و امکانات همسان با مردان در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست پیدا کنند و دیگر به معنای زن گرایی، زن آزاد خواهی و سوم به عنوان یک جنبش اجتماعی که در پی نهادینه کردن فرصت ها و امکانات مساوی با مردان است. در ابتدا فمینیسم در ایتالیا و بعضی کشورهای غربی به عنوان یک جریان رفرمیستی برای تغییر وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان متمرکز گردید و مشتمل بود بر کسب حق رای در انتخابات سندیکاهای کارگری، دسترسی آسان به تحصیل، اشتغال و دست یابی زنان به حق حضانت فرزندان و تکیه بر حقوق اندیویدالیستی (فردگرایانه) همچون مالکیت و ارث.

این نهضت در اواخر قرن 19 میلادی شروع شد و محصول دو عامل و فاکتور نظری و عملی است. از بعد نظری چون زن در غرب، انسان درجه دوم و از نظر عملی از بسیاری از حقوق محروم بود، موجبات موجی سیاسی - فرهنگی به نام فمینیسم شد.

اسلام و فمینیسم

در نگاه اسلامی توجه به عنصر زن و شناخت جایگاه او برای نقد فمینیسم غربی، حایز اهمیت فراوان است.

زن از دیدگاه اسلامی با نگاه الهی و انسانی دیده می شود و قرآن کریم، درباره خلقت انسان می فرماید: "انسان را کامل و به صورتی که خداوند متعال می خواست، ترکیب نمود (جسم و روح) / او را به صورت زوج آفرید.

در سوره نسا می فرماید: شما آدمیان را از یک نفس واحد آفریدیم و از همان حقیقت آدم و همسرش را ایجاد کردیم. از آیات بسیاری از قرآن کریم این طور به دست می آید که:

1- خداوند به خاطر خلقت آن ها به خود آفرین گفت. فتبارک الله احسن الخالقین.

2- مرد و زن یک حقیقت مشترک انسانی الهی دارند.

- 3- مرد و زن هر دو دارای دو جنبه ی (غیبی = روح) و (شهود = جسم) می باشند.
- 4- برای زن، مقامات و شئونی همچون مادر بودن، فرزند بودن، همسر بودن مطرح است.
- 5- زن و مرد هر دو در دنیا و آخرت در مقابل خداوند و احکام او مسئول اند.
- 6- در قرآن کریم اسامی بعضی زنان مقدس همچون هاجر، همسر حضرت ابراهیم (ع) و حضرت مریم آمده و نیز اشاره به شخصیت نورانی حضرت فاطمه زهرا (س) در سوره کوثر و آیه مباهله و در دیگر آیات می نماید.
- 7- مرد و زن هر دو کامل و متعادل آفریده شده اند و هیچ نقصی در خلقت آنان نیست.
- 8- مرد و زن زوج یکدیگرند و هریک به تنهایی ناقص هستند و با هم قرار و آرامش پیدا می کنند.
- 9- خدای متعال در نظام اقتصادی و معیشتی خانواده، مدیریت نهاد خانواده و همسر را با محوریت زن، متوجه مرد می داند.
- 10- از نظر فقهی، خارج شدن زن از منزل، به اذن و اجازه همسر وی است و این به خاطر حفظ بنیان خانواده است.

زن از نظر مولانا

مولانا جلال الدین بلخی در معرفی سیمای حضرت نوح (ع)، در مثنوی و فیه ما فیه در مورد آسیه همسر فرعون و سیمای حضرت مریم (ع) و زنان معنوی و عارفه به بحث پیرامون زن می پردازد.

1- مخاطب معارف و حقایق عرفانی، روح انسان است و روح، نه زن است و نه مرد. چون روح، از زنی و مردی برتر است:

| | |
|--------------------------------|-----------------------------------|
| لیک از تانیث جان را باک نیست | روح را با مرد و زن اشراک نیست |
| از مونث وز مذکر برتر است | این نه آن جان است کز خشک و تر است |
| این نه آن جان است کافزاید زنان | یا گهی باشد چنین گاهی چنان |

2- زن به عنوان یکی از مظاهر نفسانیت:

وی معتقد است زن در کنار سیم و زر، از جاذبه های نیرومند طبیعت بشر است که خداوند وی را آفریده و مرد را در آزمونی سخت قرار داده است. زن مظهر خواسته های زمینی است و مرد اگر اهل سلوک و توجه به عالم بالا باشد، آن گاه جانش به آن سو و اگر متأثر از نفسانیت باشد، به دیگر سو کشانده می شود و سالک درگیر این کشاکش است:

گاهی نهد در طبع تو سودای سیم و زر و زن

گاهی نهد در جان تو نور خیال مصطفی

این سو کشان سوی خوشان و آن سو کشان با ناخوشان

یا بگذرد یا بشکند کشتی در این گرداب ها

به دلیل آثاری که دلبستگی به مادیات بر روح و روان انسان می گذارد و او را از خدا و معنویات دور می سازد، مولانا زر و زن را مظهر نفس و ملازم کافری می داند:

زر و زن را به جان میپرست زیرا
برین دو دوخت یزدان، کافری را
جهاد نفس کن زیرا که اجری
برای این شه لشکری را

3- زن مظهر مادری و صنّع خدایی:

حق مادر بعد از آن شد کان کریم
کرد او را از جنین تو غریم
صورتی کردت درون جسم او
داد در حملش ورا آرام و خو
همچو جزو متصل دید او تو را
متصل را کرد تدبیرش خدا
حق هزاران صنّعت و فن ساختت
تا که مادر بر تو مهر انداختت

4- زن به عنوان نماد عشق الهی:

گاه زن نماد عشق الهی و محبت اکسیر بخش حیات است و بهانه ی بودن. و اگر عشق نبود هیچ نبود. جهان بینی مولانا، جهان بینی عشق و الفت مهربانی است و زن مظهر تمام عشق و الفت و مهربانی است. از دیدگاه مولانا، مهر و محبت میان زن و مرد، قطره ای از دریای بیکران و موج محبت الهی است.

ای تو پناه همه روز مِخَن
باز سپردم به تو من خویشتن

قلمز مهری که کناریش نیست
قطره آن الفت مردست و زن

5- در نگرش عرفانی، خداوند، خود با خویشتن، نرد عشق می بازد و در عالم بیرون در مقام تجلی، عشق و فیض حق جلوه نموده است. مخلوقات و زن و مرد را آفرید تا آینه او باشند و برای محبت او قیام کنند و بنابراین همین عشق مجازی و به ظاهر زمینی مرد و زن به هم، جلوه ای از همان عشق مطلق حقیقی الهی است و این روح الهی است که در بشر دمیده شده است:

ای رهیده جان تو از ما و من
ای لطیفه ی روح اندر مرد و زن

مرد و زن چون یک شود آن یک تویی
چون که یک ها محو شد آنک تویی

این من و ما بهر آن برساختی
تا تو با خود نرد خدمت باختی

تا من و توها همه یک جان شوند
عاقبت مستغرق جانان شوند

اینهمه هست و بیا ای امر "کن"
ای منزله از بیا و از سُنْخَن

6- جمال ظاهری در تعبیر مولانا، شراب و صورت زیبا، جام است و خداوند، ساقی شراب که بندگان را سیراب می سازد. شیفته ی جام شدن و در صورت زیبا، متوقف شدن، کار عاقلان نیست و این کار غافلان است. "لیلی" نماد تجلی عشق و جمال الهی در صورت عشق مجازی انسانی است.

مولانا در فیه ما فیه و نیز در مثنوی حکایت عیب جویان لیلی را نقل می کند که به مجنون گفتند: زیباتر از لیلی در این شهر، بسیار است و مجنون پاسخ داد که من لیلی را صورت نمی دانم، او همچون جامی است که از آن جام، شراب الهی می نوشم. من عاشق شرابم و شما فقط قرح و جام را می بینید.

ابلهان گفتند مجنون را ز جهل حُسن لیلی نیست چندان هست سهل
بهتر از وی صد هزاران دلربا هست همچون ماه اندر شهر ما
گفت: صورت کوزه است و حُسن می می خدایم می دهد از نقش وی
کوزه می بینی و لیکن آن شراب روی ننماید به چشم ناصواب

7- زن به عنوان نماد روح و جان:

مولانا روح و جان آدمی را از این نظر که لطیف ترین جانب وجود و پرده نشین کالبد انسان است، مونث و از جنس زن می شمارد:

سیمرغ کوه قاف رسیدن گرفت باز مرغ دلم ز سینه پریدن گرفت باز
خاتون روح خانه نشین از سرای تن چادرکشان ز عشق دویدن گرفت باز
گاهی "جان" را در قالب "زن" دیدن در رباعیات مولانا به صورت اضافه ی نمادین "کدبانوی جان" نمایانده شده است:
جان را که در آن خانه وثاقش دادم دل پیش تو بود من نفاقش دادم
چون چند گهی نشست کدبانوی جان عشق تو رسید و سه طلاقش دادم

8- زن نماد هستی:

در نگرش نماد پردازانه ی شاعران مسلمان، آسمان و زمین در نظام جهان، مظاهری از مرد و زن هستند. قدما معتقد بودند که 7 ستاره در 7 فلک آسمان، آباء علوی یا پدران آسمانی هستند و 4 عنصر آب، باد، خاک و آتش، امهات سفلی یا مادران زمینی اند که از ازدواج آن ها و تاثیرشان، موالید ثلاثه یعنی جماد، نبات و حیوان، متولد می شوند.

هست هر جزوی ز عالم، جفت خواه راست همچون کهربا و برگ کاه
آسمان مرد و زمین زن در خرد هرچه آن انداخت این می پرورد

9- زن، نماد نفس و مرد، نماد عقل:

ماجرای مرد و زن افتاد عقل آن مثال عقل خود می دان و عقل

این زن و مردی که نفس است و خرد نیک بایسته است بهر نیک و بد

10- جلوه ی زن در مثنوی معنوی:

زیبایی زن، مظهر جمال حق است. زن می تواند به مقام "پیری" در طریقت نایل شود. در عرفان، تفاوتی میان زن و مرد نیست. غلبه مرد بر زن ظاهری و غلبه زن بر مرد حقیقی است:

گفت پیغمبر که زن بر عاقلان غالب آید سخت و بر صاحبدلان

باز بر زن جاهلان غالب شوند کاندرا ایشان تندی حیوانیست بند

مولانا در طول زندگی دو همسر اختیار کرد. همسر اول او از اهالی سمرقند و همسر دوم، قونوی بود. همسر دوم او به "مریم ثانی" شهرت داشت زیرا در عبادت و زهد بی نظیر بود.

مولوی به نقش مادر اهمیت زیادی می داده است به طوری که در مثنوی یا در غزلیات دیوان شمس، این موضوع کاملاً بارز است. حتی گاهی مادر در آثار مولانا نماد و تجلی خداوند است.

البته حضور دختر مولانا و همسر شمس، کیمیا خاتون را نیز در مباحث فمینیسم از دیدگاه مولانا نباید از نظر دور داشت.

Archive of SID